

آینده گروه‌های تروریستی افغانستان بعد از خروج آمریکا

به قلم توماس پارکر (/fa/experts/twmas-parkr/)

۱۷ ژوئن ۲۰۲۱

همچنین دست‌یافتنی به

(English (/policy-analysis/what-next-afghan-based-terrorist-groups

العربية (/policy-analysis/ma-mstqbl-aljmaat-alarhabyt-alqaymt-fy-afghanistan/)

درباره نویسنده

توماس پارکر (/fa/experts/twmas-parkr/)

دکتر توماس پارکر در طول سی سال گذشته در دفتر اجرایی رئیس جمهوری، دفتر وزیر دفاع، ستاد طراحی سیاست‌گذاری در وزارت خارجه، در جامعه اطلاعاتی-امنیتی و نیز در کنگره آمریکا کار کرده است و در حال حاضر در دانشگاه جورج واشنگتن در حوزه مطالعات امنیت تدریس می‌کند. دکتر پارکر از نویسندگان همکار انجمن فکره است.



تحلیل کوتاه

خروج آمریکا از افغانستان می‌تواند به معنای افزایش فعالیت سازمان‌های تروریستی دیگری غیر از طالبان باشد

با خروج ارتش آمریکا از افغانستان که در دست عملیاتی شدن است، طالبان احتمالاً بخش عمده‌ای از افغانستان را به کنترل خود درمی‌آورد. فقدان حمایت هوایی آمریکا برای ارتش افغانستان و همچنین غیبت پیمانکاران آمریکایی برای مراقبت فنی از هواپیماهای نیروی هوایی افغانستان تأثیری مخرب خواهد داشت.

علاوه بر خطرات روشنی که به قدرت رسیدن طالبان برای مردم افغانستان دارد، ریسک به قدرت رسیدن این گروه برای امنیت جهانی این نیست که به عملیات تروریستی در خارج افغانستان دست خواهد زد. بلکه این نکته است که رهبری طالبان ممکن است نسبت به توطئه‌های القاعده و داعش در افغانستان علیه اهداف بین‌المللی بی‌تفاوت باشد. در حالی که دولت فعلی افغانستان چنین نیست. با نظرداشت این امر باید بررسی کرد که تهدید دو گروه القاعده و داعش در افغانستان و به طور کلی در منطقه خاورمیانه تا چه میزان است.

القاعده در افغانستان و پاکستان

القاعده در افغانستان و پاکستان همان سازمانی نیست که تحت امر اسامه بن‌لادن بود. آمریکا بسیاری از عوامل این سازمان را کشت و شایعاتی وجود دارد که ایمن الظواهری رهبر فعلی آن نیز مرده است. بسیاری دیگر از رهبران آن هم فراری هستند. مرگ بن‌لادن همچنین منجر به کاهش تامین مالی فعالیت سازمان شد. کاری که بن‌لادن در آن موفق بود، در نتیجه هیچ اردوگاه آموزشی بزرگی در افغانستان آن طور که در قبل از ۱۱ سپتامبر بود وجود ندارد.

با این حال یک گزارش سازمان ملل (https://www.securitycouncilreport.org/atf/cf/%7B65BFCF9B-6D27-4E9C-8CD3-CF6E4FF96FF9%7D/s_2020_415_e.pdf)

تخمین می‌زند که هنوز ۴۰۰ تا ۶۰۰ نفر از اعضای القاعده در افغانستان اند و گهگاه در کنار طالبان می‌جنگند و در جلب کمک‌های مالی و ساخت بمب فعال هستند. همچنین پیوندهای اجتماعی زیادی بین این دو سازمان به خاطر ازدواج‌ها و روابط خانوادگی بین اعضای این دو گروه وجود دارد.

مذاکره‌کنندگان آمریکایی در تلاش برای رفع این مسئله سال‌ها به طالبان فشار آورده‌اند تا نگذارد القاعده از افغانستان به‌عنوان پناهگاهی برای حملات بین‌المللی استفاده کند. طالبان ادعا می‌کند که این تقاضا را پذیرفته است و اعضای القاعده هم علناً گفته‌اند که از چنین حملاتی خودداری خواهند کرد. اما به‌رغم قول‌های طالبان و القاعده تشویق به حملات بین‌المللی ادامه داشته است.

یک رخداد اخیر بلندپروازی‌های القاعده را روشن‌تر می‌کند. در اکتبر ۲۰۲۰ نیروهای ویژه ارتش افغانستان ابومحسن المصری را کشتند. نام او که احتمالاً نفر دوم القاعده در افغانستان بود سال‌ها در فهرست تروریست‌های تحت تعقیب اف‌بی‌آی قرار داشت. بنا به گفته مقامات اطلاعاتی افغانستان در جریان این حمله نیروهای ویژه افغان پیام‌هایی از المصری پیدا کردند که به همتایان خود در القاعده سوره می‌گفت افغانستان ممکن است به‌زودی به وضعیت پیش از ۱۱ سپتامبر برگردد یعنی مرکزی برای این گروه تروریستی شود. علاوه بر این بعد از کشتن المصری دو حمله هوایی آمریکا علیه اهداف القاعده در استان ادلب سوره انجام شد که این گمان را تقویت کرد که پیام‌های المصری همچنین نشانگر آن بوده که اعضای القاعده در سوره در حال توطئه‌چینی علیه اهداف آمریکایی هستند.

داعش در افغانستان

برخلاف القاعده در افغانستان و پاکستان شاخه خراسان داعش موضعی خصمانه

(<https://c/Users/TPAR511/Documents/Dad/GW%20Undergrad%20Class/COIN%20including%20A'stan/A'stan/ISIS%20in%20Afghanistan%202019.pdf>)

علیه طالبان اتخاذ کرده است. هر دو سازمان می‌خواهند دولت افغانستان را سرنگون کنند. اما به‌رغم جاه‌طلبی مشترک خود هر از چند گاهی در شرق افغانستان که مقر القاعده و داعش در افغانستان است با هم جنگیده‌اند.

بنا به گزارش سازمان ملل (https://www.securitycouncilreport.org/atf/cf/%7B65BFCF9B-6D27-4E9C-8CD3-CF6E4FF96FF9%7D/s_2020_415_e.pdf) که

بیشتر ذکر شد در ولایت کوهستانی گنر نزدیک مرز پاکستان شاخه خراسان داعش حدود ۲۳۰۰ جنگجوی مسلح مستقر کرده است. بیشتر اعضای این شاخه باقیمانده شبه‌نظامیان پشتون هستند که از دست نیروهای امنیتی پاکستان به افغانستان گریخته‌اند. این نیرو همچنین شامل فراری‌های ارتش افغانستان و جنگجویان ازبک است.

این شبه‌نظامیان ناهمخوان از سال ۲۰۱۴ در عراق و سوره با داعش هم‌دست شدند و متعاقباً عده‌ای از شبه‌نظامیان عرب داعش در عراق و سوره هم به افغانستان پناه آوردند. فوج عراقی داعش همچنین مقداری پول به شاخه خود در افغانستان کمک کرده است. اما شاخه‌های متعدد داعش فعلاً ارتباط اندکی دارند که محدود به

تهدید تروریستی در افغانستان بعد از خروج آمریکا

با خروج قریب‌الوقوع آمریکا و نیروهای ائتلاف بین‌المللی مناطق جنوبی و شرقی افغانستان حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد مساحت کشور و شامل شهر قندهار احتمالاً تحت کنترل طالبان (<https://www.longwarjournal.org/mapping-taliban-control-in-afghanistan>) قرار می‌گیرد. این بخش کشور عمدتاً پشتون است. پایگاه قومی طالبان که بیشتر نیروهایش را از آن می‌گیرد. پشتون‌ها همچنین حدود ۴۵ درصد کل جمعیت افغانستان هستند و مناطقی که آن‌ها اکثریت دارند به احتمال زیاد از سوی القاعده و شاخه خراسان داعش برای ایجاد پایگاه‌های آموزشی جدید بعد از خروج آمریکا استفاده خواهد شد.

مناطق شمالی و غربی افغانستان احتمالاً محل نزاع مسلحانه بین طالبان و شبه‌نظامیان غیرپشتون خواهد بود. تاجیک‌ها که تقریباً ۲۵ درصد کل جمعیت افغانستان هستند در شهرهای بزرگ مزار شریف در شمال و هرات در غرب گروه قومی اکثریت هستند. هزاره‌ها که تنها گروه قومی شیعه در افغانستان اند حدود ۱۰ درصد جمعیت کشور هستند و در نواحی روستایی مرکز افغانستان اکثریت دارند. ازبک‌ها و ترکمن‌ها که هر دو از مردم ترک هستند حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد جمعیت افغانستان می‌شوند و عمدتاً در شمال زندگی می‌کنند. گرچه پرجمعیت‌ترین مناطق پشتون در جنوب و شرق افغانستان واقع شده جماعت‌های پشتون در بقیه کشور ممکن است به مراکز برای فعالیت القاعده و شاخه خراسان داعش تبدیل شوند.

شاید نامعلوم‌تر از همه آینده کابل و اطراف آن باشد. بدون حمایت مستقیم از سوی نیروهای آمریکایی سرنوشت ولایت کابل به کارایی ارتش افغانستان بستگی خواهد داشت. عمده ارتش افغانستان را نیروی رزمی معمولی تشکیل می‌دهد اما نیروهای ویژه آن حدود ۱۰ درصد کل ارتش عالی هستند. آمریکا هم فعلاً سالانه حدود ۵ میلیارد دلار کمک نظامی و بشردوستانه تامین می‌کند. بقای دولت و ارتش افغانستان نیازمند آن است که حمایت مالی بین‌المللی خصوصاً از این نیروها ادامه یابد ولی حتی در این صورت هم هیچ تضمینی برای موفقیت نیست.

یک گزینه دیگر برای حمایت از پرسنل نظامی افغانستان امکان آموزش در خارج است. اردن به‌عنوان یکی از این گزینه‌ها مطرح شده است. اما پیامدهای احتمالی از دست دادن حمایت مالی و آموزشی را می‌توان در فروپاشی دولت کمونیست افغانستان به رهبری نجیب‌الله مشاهده کرد. رژیم او بعد از خروج شوروی در ۱۹۸۸-۸۹ به بقای خود ادامه داد اما بعد از آن‌که مسکو حمایت مالی خود را در ۱۹۹۱ قطع کرد دولت او فروپاشید.

اگر طالبان افغانستان را بگیرد آمریکا هنوز دسترسی نظامی محدودی به داخل افغانستان خواهد داشت. این دسترسی به آمریکا امکان می‌دهد که در صورت حمله القاعده داعش و دیگر نیروهای متخاصم به آمریکایی‌ها یا شرکای آن‌ها با این گروه‌ها مقابله کند. اما هواپیماهای آمریکا در مرحله بعد از خروج باید برای حمله از پایگاه‌های خود در قطر و ناوهای هواپیمابر خود در نزدیکی پاکستان به داخل افغانستان پرواز کنند.

با این‌همه این مسافت‌ها طولانی است و هواپیماهای آمریکا نخواهند توانست مدت زیادی را در جستجوی اهداف سپری کنند. ازین گذشته روسیه احتمالاً دولت‌های آسیای میانه (<https://www.rferl.org/a/u-s-military-bases-in-central-asia-part-two-31219781.html>) را از در اختیار گذاشتن پایگاه‌های خود برای حملات ضد-تروریستی آمریکا منصرف خواهد کرد که تفاوتی آشکار با همکاری ضدتروریستی بین آمریکا و روسیه در اوایل دهه ۲۰۰۰ دارد. پاکستان هم ظاهراً علاقه چندانی ندارد که پایگاه نظامی در اختیار آمریکا قرار دهد.

برای پاسخ به حملات آینده گذشته از عملیات‌های نظامی به رهبری آمریکا که از خاک متحدان انجام شود آمریکا و دیگر کشورها می‌توانند یافتن مسئولان حملات تروریستی را به ارتش افغانستان هم محول کنند. اما این گزینه فقط وقتی امکان‌پذیر است که دستگاه نظامی افغانستان همچنان کارآمد باشد. وگرنه آمریکا مجبور است دولت طالبان را با تهدید به اقدام تلافی‌جویانه نظامی وادارد تا تروریست‌های بین‌المللی را در خاک خود سرکوب کند یا مزدوران جنگی افغان را برای مقابله با تروریست‌ها اجیر کند.

علاوه بر این توانمندی‌های اطلاعاتی آمریکا بعد از خروج نیروهایش از افغانستان تا حد زیادی از دست خواهد رفت. گرچه این توانمندی به صورت محدود از لحاظ نیروی انسانی و فنی در سفارت آمریکا در کابل وجود خواهد داشت. با فرض این‌که آمریکا سفارتی داشته باشد داشتن منابع اطلاعاتی در سراسر کشور امر دیگری است. تضعیف اطلاعات تجسسی آمریکا کارآمدی همه گزینه‌های نظامی باقیمانده برای آمریکا و همچنین امکان کمک به ارتش ملی افغانستان را کم می‌کند. افغانستان دوباره به کشوری دوردست و ناشناخته تبدیل خواهد شد.

در هر صورت دولت آمریکا باید آماده این احتمال باشد که با خروج از افغانستان گروه‌های تروریستی بین‌المللی جسورتر شوند. برافراشته‌شدن پرچم طالبان در کابل الهام‌بخش شبه‌نظامیان سراسر دنیای اسلام خواهد بود و همزمان ترس و گناه وحشت را به دل بسیاری از افغان‌ها خواهد انداخت. ❖

RECOMMENDED



BRIEF ANALYSIS

Iran Takes Next Steps on Rocket Technology

فوریه ۲۰۲۲

Farzin Nadimi

([policy-analysis/iran-takes-next-steps-rocket-technology](#))



BRIEF ANALYSIS

[Saudi Arabia Adjusts Its History, Diminishing the Role of Wahhabism](#)

١١ جوريه ٢٠٢٢



Simon Henderson

[\(/policy-analysis/saudi-arabia-adjusts-its-history-diminishing-role-wahhabism\)](#)



ARTICLES & TESTIMONY

[Podcast: Breaking Hezbollah's Golden Rule](#)

٩ جوريه ٢٠٢٢



Matthew Levitt

[\(/policy-analysis/podcast-breaking-hezbollahs-golden-rule\)](#)